

فلسفه هستی سیال

تأملاتی تاریخی در مبانی، پیش فرض‌ها و پیامدهای نظریه دیرند
بنیادین‌ترین اصل فلسفه برگسن"

محمدجواد پیرمرادی

استادیار دانشگاه امام حسین (ع)

سروش

تهران ۱۳۹۲

شماره ترتیب انتشار: ۱۵۶۹

پیرمرادی، محمدجواد، ۱۳۴۰ -	
فلسفه هستی سیال: تأملاتی تاریخی در مبانی، پیش فرض‌ها و پیامدهای نظریه دیرند / نوشته محمدجواد پیرمرادی؛ تهران: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سروش، ۱۳۹۲.	
۲۶۸ ص.	چاپ اول: ۱۳۹۲
ISBN: 978-964-12-0443-5	فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.
۱. برگسون، هانری لویی، ۱۸۵۹-۱۹۴۱ م. ۲. فلسفه جدید- قرن ۲۰ م. ۳. فلسفه فرانسوی - قرن ۲۰ م. الف. صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سروش، ب. عنوان.	
۱۹۴	۹ ب ۴ / B ۲۴۳۰
کتابخانه ملی ایران	۱۳۹۲
۳۱۳۱۳۲۵	



تهران، خیابان استاد مطهری، شاطع خیابان شهید دکتر مفتح، ساختمان سروش مرکز پخش: ۸۸۳۲ ۴۳۰۸	
www.porshpublishingco.ir	
فلسفه هستی سیال	
تأملاتی تاریخی در مبانی، پیش فرض‌ها و پیامدهای نظریه دیرند	
نویسنده: محمد جواد پیرمرادی	
ویراستار: محمد دانشگر	
صفحه‌آرا: آرمیتا طهرانی مؤید	
طراح جلد: احسان اصفهانیان	
چاپ اول: ۱۳۹۲	
قیمت: ۱۲۰,۰۰۰ ریال	
این کتاب در پانصد نسخه در چاپخانه انتشارات سروش لیتوگرافی، چاپ و صحافی شد.	
همه حقوق محفوظ است.	
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۲-۰۴۴۳-۵	

فهرست اجمالی

۱۱	سخن ناشر
۱۳	مقدمه
۲۱	فصل اول: حرکت و زمان و فضا در عصر جدید
۳۳	فصل دوم: پیش‌زمینه‌ی بررسی و روش به فلسفه برگسن
۴۷	فصل سوم: مبانی فلسفه برگسن
۱۲۵	فصل چهارم: زمان فضایی و دیرینه
۱۴۹	فصل پنجم: حرکت در فلسفه برگسن
۲۰۵	فصل ششم: بهره‌های نظریه دیرینه
۲۳۹	نتیجه:
۲۴۱	کتاب‌شناسی:
۲۴۷	نمایه‌ها:

فهرست تفصیلی

۱۱		سپهر
۱۳		مقدمه
۲۱		فصل اول: حرکت و زمان و فضا در عصر جدید
۲۶		نقد و بررسی
۳۳		فصل دوم: پیش زمینه‌های ورود به فلسفه برگسن
۴۷		فصل سوم: مبانی فلسفه برگسن
۴۷		۱. تجرد نفس براساس نظریه یاد
۴۸		ادراک محض
۵۳		تبیین ادراک و یادگار
۵۵		یاد ناب
۶۱		فراموشی
۶۵		مغز جای یاد مانده‌ها نیست
۶۸		۲. مبانی معرفت‌شناختی
۶۸		تفاوت ماهوی هوش و غریزه
۷۷		اوصاف هوش
۷۹		اوصاف غریزه

۸۳ دو روش؛ تحلیلی و شهودی

۹۱ ترفند هوش برای دستیابی به حرکت

۹۷ خلط نظر و عمل

۹۸ بی‌نظمی و دو نظم

۱۰۳ مفهوم عدم و مشکلات معرفتی

۱۱۳ رابطه کمیت و کیفیت

۱۲۵ فصل چهارم: زمان فضایی و دیرند

۱۲۵ ماهیت عا

۱۲۹ ماهیت

۱۳۲ دیرند ناب

۱۴۰ علت خلط دیرند و فض

۱۴۰ ۱. رویداد آندسمز

۱۴۲ ۲. دشواری در تصویر دیرند بی‌ار

۱۴۲ ۳. حرکت در خارج

۱۴۳ ۴. من سطحی

۱۴۹ فصل پنجم: حرکت در فلسفه برگسن

۱۴۹ چیستی حرکت

۱۵۵ پاسخ به پارادوکس های زنون

۱۶۰ اثبات اصالت حرکت

۱۶۰ ۱. از راه معرفة النفس

۱۶۳ ۲. حرکت و تحول در اشیای مادی بی‌جان

۱۶۶ ۳. حرکت و تحول در اشیای جاندار ناخودآگاه

۱۷۰	۴. انتقادی مکانیستی به نظریهٔ اصالت حرکت
۱۷۳	۵. تبیین فلسفی تحول حیات
۱۷۴	انتقاد از تبیینات مکانیستی و غایت‌گرایانهٔ زیست‌شناسان از تحول حیات
۱۷۹	بررسی فرض تغییرات تصادفی تدریجی (فرضیهٔ داروین)
۱۸۰	بررسی فرض تغییرات ناگهانی
۱۸۱	بررسی فرضیهٔ ایمر
۱۸۴	بررسی فرضیهٔ لامارک
۱۸۶	نظریهٔ حیات و شورحیاتی
۱۹۰	نهاد راسیونالیسم و شورحیاتی
۱۹۴	امتیازات علمی حیات
۲۰۰	پیدایش ماده
۲۰۲	تحول حیات از دیدگاه علمی
۲۰۵	فصل ششم: بهره‌های نظریهٔ دیر
۲۰۵	ابطال اندیشهٔ مکانیستی
۲۰۹	انتقاد از مکتب غایت‌انگاری
۲۱۳	نقدی بر راسیونالیسم و پیامدهای آن
۲۱۵	انسان غایت تحول
۲۲۳	اختیار
۲۲۶	نقدی بر نگاه عقلی به اختیار (در دایرهٔ نفی و اثبات)
۲۲۹	نگاهی به عقب: نقدی بر معرفت‌شناسی پیشینیان دربارهٔ حرکت و زمان
۲۲۹	۱. انتقاد به نظریهٔ مُثُل
۲۳۱	۲. انتقاد به ارسطو

۲۳۲ ۳. انتقاد به دکارت و کارترین ها

۲۳۴ ۴. انتقاد به کانت

۲۳۷ ۵. انتقاد به اسپنسر

۲۳۹ نتیجه

۲۴۱ کتاب شناسی

۲۴۷ نمایه ها

www.ketab.ir

سنگز تاشر

پیشرفت علم و فتاوری عصر جدید آثار فرهنگی و اجتماعی متفاوتی برای جامعه بشری داشته است. بعضی آن راه به خاطر توانمندی در کنار انسان ها قرار داده است، در حد تقدیس و پرستش ستوده اند و برخی دیگر به واسطه زخمهایی که بر جسم و جان جامعه بشری وارد کرده است، به آسیب شناسی و نقد آن پرداخته، دردمندانه و از سر تردید پرسیدند که آیا به معنی انسان عصر فضا و ارتباطات و دهکده جهانی و رایانه و اینترنت و در یک کلام فاقد راز، خوشبخت تر است یا انسان سنتی فاقد همه این ها و واجد آرامش درونی؟ فلسفه هستی سیال در این دسته دوم قرار دارد. این روش جوهری ترین عنصر اندیشه هانری برگسون، یعنی تکیه بر روش شهودی در شناخت هستی، گونه ای معرفت را برای نقد شاخص های معرفتی تمدن جدید یعنی راسیونالیسم، تجربه گرایی، علمگرایی و پوزیتیویسم مطرح نموده است. برگسون را می توان زمینه ساز اندیشه های سنگزایانه متفکرانی همچون رنه گس، فریووف شوان، نصر و مارتین لینگز دانست که از قضا جملگی مسلمان بوده اند و از منتقدان تمدن کمند و تقدسزای غرب بعد از دوران نوزایی به شمار می آیند. براساس آنچه مؤلف در این اثر مورد بحث قرار داده است، روش شناسی حاکم بر اندیشه های فلسفی و علمی عصر جدید روح و حرکت را از جهان و انسان می گیرد و نوعی جبر و ایستایی را به ارمان می آورد و درواقع بشر با این روش مکانیستی به جای رسیدن به حقیقت، آن را تحریف کرده است. از آنجاکه ذات جهان هستی و انسان، سرشار از سیلان و

حیات است روش‌های فلسفی پیشنهادی راسیونالیست‌ها و متدولوژی علمی مورد توجه اثبات‌گرایان و علم‌گرایان اساساً از درک آن عاجز است. برای رسیدن به این حقیقت سیال باید همدلانه با آن زیست و به درون آن رفت و در این اقیانوس ژرف غوطه‌ور شد و غواصی کرد، وگرنه با تماشای حقیقت از دور نمی‌توان به درکی واقعی از آن رسید؛ کسی که در یک گلستان زیبا قدم می‌زند و از عطر گل‌های بهاری آن سرمست می‌شود و از ساعتی غنودن در سایه درختانش لذت میبرد آنچه را بی‌واسطه دریافت می‌کند هرگز نمی‌تواند با توصیف و در قالب کلمات به کسی که در آنجا حضور ندارد منتقل کند.

ولف محترم در این اثر نگرستن به جهان و انسان از زاویه‌ای دیگر را پیشنهاد می‌کند و این نگرش نه تنها مایه رضای غفلت زای برخاسته از تمدن مادی‌گرای عصر جدید بار دیگر دست‌به‌دامن ساختی معنوی را عیان می‌کند که بی‌واسطه با سرچشمه هستی اتصال برقرار می‌کند و جامعه انسانی را از فیوضات این آرزو بهر مذهب سازد و به بشر مغرور از سلطه ابزاری بر طبیعت یادآوری می‌کند که بدون صلح و دوستی با مبداء حق آفرین و حرکت به سمت آن کمال بی‌همتای در پرتو رهنمودهای انسان‌های کامل، نمی‌توان از جامعه‌ای سعادتمند و آرامانی برخوردار بود.

انتشارات سروش براساس رسالت‌های راستای حرکت در مسیر تقویت اهداف فرهنگی انقلاب اسلامی، از چاپ آثاری از این دست که در نقد مبانی مادی‌گرایانه تمدن جدید غرب تلاش می‌کنند و زمینه توجه اندیشمندان جامعه را به تولید دانش‌های بومی و ارزش‌های مسائل کشورمان و مبتنی بر مبانی اندیشه اسلامی فراهم می‌سازند استقبال می‌کند و این امر را حرکتی در مسیر آرمان‌های انقلاب اسلامی می‌داند. روشن است که این مکتب فلسفی نیز مانند بسیاری از مکاتب بشری بزرگ، نقاط ضعف‌هایی رنج می‌برد که در جای خود مورد توجه قرار گرفته است و مورد پذیرش ناشر نیست. این به‌منظور تقویت جرئت تأمل در اندیشه‌هایی که آوازه‌شان موجب توجه به آنهاست نه قدرت اقناعی آن‌ها و همچنین فراهم ساختن زمینه تبادل و تضارب آراء و نقد اندیشه‌ها، اقدام به انتشار این کتاب کرده است.

انتشارات سروش

هستی سیال یا دیرقد، از فلسفه دانش برگسن (۱۹۴۱-۱۸۵۹) فیلسوف شهودگرای فرانسوی است. برگسن در ۱۸۵۹ میلادی در پاریس به دنیا آمد؛ تحصیلات متوسطه را در مدرسه کُندرسه در پاریس تمام کرد و در ۱۸۷۸ برای تحصیل در رشته فلسفه وارد دانش‌سرای عالی پاریس «اکول نورمال سوپریور»^۱ شد، و در ۱۸۸۱ از آنجا فارغ‌التحصیل شد. براساس نظام آموزشی فرانسه معلم فلسفه دبیرستان، و در ۱۸۹۳ به‌عنوان استاد سخنران در دانش‌سرای عالی منصوب شد و تا ۱۹۰۰، که به سمت استاد ممتاز کرسی فلسفه کِلُژ دو فرانس منصوب شد، در آنجا تدریس کرد. درس‌های سال‌های ۱۹۰۰ تا ۱۹۲۴ او در کِلُژ دو فرانس به‌ویژه پس از انتشار اثرش به‌نام *مغول و ستمگر* در سطح وسیع جامعه پاریس به‌غایت مورد توجه قرار گرفت و بسیاری از افکار او بر اندیشهٔ ادبیات و سیاست سخت تأثیر گذارد. آثار دسته اول برگسن عبارت اند از: *پژوهش در نهاد زمان*، *مغول و ستمگر* و *سخت‌گیر* که پایان‌نامهٔ دکترای وی بود؛ *ماده و یاد*، که ویلیام جیمز آن را انقلابی کوپرنیکی نامید و *بازار عقل*

- 1- duration
- 2- Henri Bergson
- 3- Condorcet
- 4- École Normale Supérieure
- 5- *Essai Sur les Données Immédiates de la Conscience*
- 6- *Matière et Mémoire*

محض کانت و اصول دانش بشری بر کلی مقایسه کرد؛ تحول خلاق^۱ که ویلیام جیمز آن را معجزه‌ای واقعی در تاریخ فلسفه دانست و دو سرچشمه/خلاق و دین^۲ که آخرین کتاب مهم اوست.

کتاب‌های دیگر برگسن که به اهمیت این چهار کتاب نیست، عبارت‌اند از: خنده^۳، انرژی روحانی^۴،

اندیشه و متحرک^۵ و دیرند و همزمانی^۶؛

برگسن در سال ۱۹۰۱ به عضویت فرهنگستان علوم اخلاق و سیاست در آمد و در سال ۱۹۱۴ به عضویت فرهنگستان فرانسه نائل و در سال ۱۹۲۸ برنده جایزه نوبل شد. برگسن چهار سال بعد در سال ۱۹۳۲ آخرین اثر بزرگ خود دو سرچشمه/خلاق و دینی را منتشر کرد و در ۱۹۳۳ مجموعه مقالات اندیشه خلاق^۷ را به نام خلاق وارد جامعه علمی شد. سرانجام در سال ۱۹۴۱ این فیلسوف به تعبیر راسل عالی‌ترین مقام علمی جهان یعنی عضویت دائمی در انجمن سلطنتی بریتانیا به ابدیت پیوست و بدین ترتیب دنیای اندیشه یکی از چهره‌های گران قدر خود را از دست داد.

ماجرای پیدایش فلسفه دیرند با فلسفه هستی سیال، چنان که خود برگسن در نامه‌اش به ویلیام جیمز می‌گوید از این قرار است که برگسن این بود که فلسفه اسپنسر را، که به نظر وی از سایر اندیشه‌ها برتر می‌نمود، از نقائص برگسن را بسط و گسترش دهد. از این رو، پس از موفقیت در امتحان کنکور فلسفه به تأمل در مفاهیم اصلی و اصول اولیه فلسفه اسپنسر پرداخت و دریافت که زمان نجومی به معنایی که مورد نظر این فیلسوف است نمی‌تواند تحول حیات را توجیه کند و تحول موجودات ناشی از سرگذشت خود آن‌هاست و اندازه گیری‌های ما از آنچه زمان می‌نامیم در واقع اندازه گیری سرگذشت موجودات نیست، بلکه اندازه گیری همزمانی‌ها و همبستگی‌هاست. برگسن برای حل این مشکل هفت سال اندیشید تا سرانجام روزی که پس از تدریس شبیه رنسانس بایلی طبق معمول روزانه مشغول قدم زدن بود، راز هفت‌ساله گشوده شد و کشفی که بعدها تمام فلسفه‌ها را در بر گرفت به ذهنش جرقه زد و دانست زمانی که منجم در اندازه گیری‌ها به کار می‌گیرد و مورد استفاده اسپنسر

1- L'Évolution Créatrice

2- Les Deux Sources de la Morale et de la Religion

3- Le Rire

4- L'Énergie Spirituelle

5- La pensée et le Mouvant

6- Durée et Simultanéité

واقع می‌شد، همان فضااست و مغالطهٔ زنون و مخالفان او در خلط حرکت و مسافت یا زمان و فضا بوده است درحالی‌که هیچ قدر مشترکی بین زمان و فضا نیست و علوم طبیعی و منطق فقط از فضا (مکان) یا همتای فلسفی آن، ماده، می‌توانند سخن بگویند، نه از زمان به معنای اتصال و درهم‌تنیدگی حالات نفس که فقط با علم حضوری می‌توان آن را تجربه کرد.

از آنجاکه برگسن مصداق آشکار و روشن این زمان غیرفضایی را، که آن را "دیرند" اصطلاح کرد، در حیطهٔ درون خویش می‌دید به روان‌شناسی روی آورد. چون برگسن زمان به معنای معمول در مکانیک نجوم را رها کرد، طبعاً روش فکری ریاضی هم دیگر ابزار مناسبی برای پژوهش در حقیقت زمان نبود. از این رو، به روشی بنیادین روی آورد؛ زیرا تنها روش دریافت حقایق کیفی را دریافت بی‌واسطهٔ نفس می‌دانست.

بدین‌سان برگسن به صورتی برپیکر اندیشهٔ هندسی و مکانیستی دکارت وارد کرد. با این وصف، مانند دکارت بر این باور بود که فلسفه باید از روش علمی پیروی کند، اما دیگر علم مورد نظر وی ریاضی نبود، بلکه زیست‌شناسی و علوم انسانی بود. در این علوم سخن از اثبات ریاضی نیست بلکه غرض نشان‌دادن است به گونه‌ای که در آن شکی نباشد.

برگسن علاوه بر نفی روش ریاضی و در پیش گرفتن روش شهودی، اصالت حرکت را اعلام کرد، به این معنا که حرکت برای او عین هستی است. حرکت برای برگسن به معنای خروج از قوه به فعل نبود. حرکت نیز مانند زمان حقیقی «دیرند»، فرایندی روحی و نفسانی بود. حرکت جز با سکون سروکار نداریم. حرکت، فعلی بسیط بود که فقط برای ناظر خودآگاه دارای حافظه و آگاهی از این رو، نظریهٔ "یاد" برای نظریهٔ "دیرند" نقش بنیادین دارد. بنابراین حرکت و زمان، حقایق کیفی و قابل انقسام و اندازه‌گیری نیستند و تعریف قدما دربارهٔ حرکت و زمان به عنوان کم متصل غیرقابل انقسام نادرست بوده است. آنچه اندازه می‌گیریم، هم‌زمانی‌هاست نه زمان. آنچه نفس می‌فهمد، امری بسیط است. وقتی من بازویم را بلند می‌کنم برای نفس من فعل بسیطی است، ولی برای ناظری که از بیرون تماشا می‌کند، چون در فضا می‌اندیشد نه در زمان، آن را انتقال از جایی به جایی

می‌بیند درحالی‌که آن فعل فضایی (مکانی) نیست بلکه زمانی است. اگر حرکت را آن گونه که نفس بی‌واسطه می‌یابد، یعنی فعلی بسیط و غیرقابل انقسام بدانید، شبهات زنون از بن برطرف خواهد شد. چنین حقیقتی عین آفرینندگی و حیات است؛ همان مطلق است که در جست‌وجوی آن‌اند و کانت آن را ورای دسترس عقل می‌دانست.

برگسن را می‌توان قهرمان مبارزه با ماتریالیسم و نسبیت کانتی نامید. فلسفه او واکنشی بود علیه پوزیتیویسم علمی قرن نوزدهمی که متافیزیک را ناممکن می‌شمرد، اما برگسن نه تنها متافیزیک را ممکن شمرد بلکه آن را مشغله بشر دانست. برگسن نه تنها علیه پوزیتیویسم و ماتریالیسم و مکانیسم، بلکه در برابر است فلسفی غرب از افلاطون تا زمان معاصر ایستاد. برگسن مدافع و توجیه‌گر عاطفه و روح در نسبت فکری وی از طریق مرشدش در فلسفه امیل بوترو^۱، از طریق ژول لاشلیه^۲ استاد بوترو، از طریق کیم مابعدالطبیعی اوایل سده نوزدهم من دو بیران^۳، سرانجام به پاسکال می‌رسید. او نیز چون پاسکال روح اطمینان را در مقابل روح هندسی قرار می‌داد.

بنابراین برگسن با اصل هستی‌سیالی یا فلسفه دیرمندی در واقع بنیاد تمدن جدید یعنی علوم تحصیلی و فلسفه جدید را نشانه گرفت. برگسن با نقد کانت افتخار احیاگر نوین متافیزیک را به نام خویش ثبت می‌کند و به عنوان یکی از منابع تحقیق مناسب سنت‌گرایی مورد توجه قرار می‌گیرد که از قضا بیشتر متفکران آن مسلمان، و از منتقدان جدید علم و فلسفه غرب هستند. برگسن در دورانی که غالب قریب به تمام دانشگاه‌های جهان مسحور علم و فلسفه جدید و بر این گمان بودند که بهشت موعود انبیا (ع) در سایه علم و اندیشه جدید محقق شده است، بر این باور بود که علم و فلسفه جدید نه تنها معرفت‌بخش نیست که اساساً چنین رسالتی ندارد، ولی آنچه کرد و نتایج واقعیات بوده است و صد البته در این ویرانگری، فیلسوفان یونان باستان نیز سهیم هستند. نهال تاریکترین فاجعه عصر جدید یعنی اسارت انسان در چنبره ماشین از دوران باستان کاشته شده است؛ اما بعد از دوران نوزایی جدید بود که بستر مساعد رشد سریع و جهشی آن فراهم شد و می‌توان گفت که آدمی در این

1- Émile Boutroux

2- Jules Lachelier

3- Maine de Biran

دوران مسخ شد. انسان محصول علم و عقل جدید به کلی دیگر است؛ این چنین شیری خدا هم نافرید. انسان بدون گرایش‌های خدایی دیگر انسان نیست بلکه حیوانی است که به قول برگسن تفاوتش با حیوانات دیگر در صنعتگری و ابزارسازی است. برگسن هرچند درد انسان معاصر را تشخیص داده بود اما اینکه آیا توانسته باشد نسخه‌ای شفابخش برای درمان او ارائه کند، محل تأمل است. روش برگسن برای کشف واقعیت آن‌چنان که هست، فلسفه او را گرفتار تناقضی آشکار می‌کند که بسیاری از منتقدانش آن را گشزد کرده‌اند. البته این ویژگی ذاتی روش‌های شهودی است. فلسفه خواهان روشی همگانی بین آدم‌های و بر این پیش‌فرض مبتنی است که انسان‌ها از ماهیت مشترکی برخوردارند و زبان مشترک بین انسان‌ها از وجود معانی مشترک برای نوع واحدی به نام بشر است. اما آنچه روش‌های شهودی بشر را از انسان منزه می‌کند، قابل تجربه دوباره به وسیله انسان‌های دیگر نیست. محصول تجربه‌های شهودی هرچند برای ساخت تجربه، آگاهی‌بخش و بهجت‌آور است برای دیگران چنین نیست و می‌توانند آن را نپذیرند. به همین دلیل، تجربه‌هایی ارزش عام و همگانی خود را از دست می‌دهند و کاملاً شخصی می‌شوند. اما آلمانی‌ها هستند که با این باور نیستند که روش برگسن برای فلسفه نارساست؛ زیرا مرادشان از فلسفه آن نیست که در عصر جدید به کار می‌رود. آن‌ها از واژه حکمت به جای فلسفه استفاده می‌کنند و سرچشمه حکمت را مسکات نبوت می‌دانند. از نظر آن‌ها حکمت تنها از برهان به دست نمی‌آید بلکه نقش شهود در کشف حکمت و کارناپذیر می‌دانند و بر این باورند که مسائل و معارف حکمی علاوه بر نظر به عمل نیز نیازمند است. بی‌نیایی به معرفت، نظر، شرط لازم است نه کافی؛ عمل نیز در این زمینه نقش بسزایی دارد و حکمت برای این قبیل است؛ حتی اگر کسی این نظریه را هم نپذیرد بازهم فلسفه برگسن برای او سخن بسیار دارد. جنبه‌های سلبی فلسفه برگسن هشدارهایی درس‌آموز برای تمام اندیشمندان در علم و فلسفه جدید بوده است. روشی همدلی برای درک حقیقت در فلسفه برگسن برای فهم بسیاری از امور انسانی به‌ویژه در جامعه‌شناسی کارآمد است و می‌توان از آن در نقد اندیشه‌های خشک پوزیتیویستی در شناخت فرهنگ جوامع بهره جست. انتقادهای برگسن از علم‌گرایان و پوزیتیویست‌های تجربه‌گرا تماماً صائب

است و در کشور ایران اسلامی کسانی که دغدغه تولید علوم انسانی بومی را در سر می‌پروراندند، می‌توانند از آن بهره‌برداری کنند و زمینه‌ساز تلاش برای بهره‌گیری از منابع دینی خودی بدین‌منظور خواهد بود. فلسفه دیرندی بنیاد کمیت‌گرایی جدید را به باد انتقاد می‌گیرد و معتقد است آنچه را وظیفه روان‌شناسی است نباید از فیزیک انتظار داشت؛ چنین انتظاری در واقع خلط کمیت و کیفیت است. این مغالطه بزرگ، که پوزیتیویست‌ها می‌خواستند با علم واحدی همه مسئله‌ها را حل کنند از دیدگاه برگسن برخاسته از خلط زمان و مکان و ناشی از نشناختن ماهیت حقیقی زمان است. زمان مقدار حرکت نیست. حرکت نیز، خروج تدریجی شیء از قوه به فعل نیست. زمان، امری کیفی و معادل با درجه بی‌صبری است. حرکت نیز که منتظریم قند در جای حل شود. حرکت، فعلی بسیط است که با بلند کردن دست آن را بالا می‌برد و می‌فهمیم. الزامات زندگی اجتماعی تسبب شده است که ما حرکت را با مسیر آن خلط کنیم و روی مغالطات نوع الیایی از اینجاست. زمان با مکان خلط می‌شود و کمیت‌گرایی جدید و اسارت انسان در نظام مادیی اینجاست برخاسته است.

برای بیان فلسفه دیرندی در بخش مفهوم حرکت و زمان و فضا در عصر جدید به‌عنوان پیش‌درآمدی برای ورود به فلسفه برگسن ضرورت دارد. لذا بخش اول و دوم عهده‌دار این مهم است. در این بخش‌ها از تاریخچه مفاهیم زمان، حرکت و فضا به‌عنوان سه مفهوم کلیدی در فلسفه برگسن و همچنین تأثیر نیوتن و فیزیک‌دانان بعد از وی بر این مفاهیم بحث شده است. بخش سوم متکفل زیرساخت‌های اندیشه برگسن است که عبارت‌اند از:

۱. **تمایز کمیت و کیفیت:** برگسن این بحث را در «مقدمه و مبنایی» برای تفکیک زمان حقیقی از زمان عرفی یا نجومی به‌کار برده است و وقتی که اینجاست نشان می‌دهد که هیچ قدر مشترکی بین کمیت و کیفیت نیست، دیگر بیان تمایز دیرند و فضا را می‌شود.
۲. **تجرد قوه یاد:** در این موضوع دیدگاه برگسن را در رد نظریه ماتریالیستی، که مغز را مرکز دانایی و شناخت و جای یادمانده‌ها را مغز می‌دانست، توضیح داده و روشن کرده‌ایم که چگونه این نظریه پایه نظریه دیرند است.

۳. **تمایز نظر و عمل:** یکی از مبانی مهم و مورد اختلاف برگسن با سایر فلاسفه این مسئله است که برگسن کار عقل را شناخت نمی‌داند بلکه عمل می‌داند. از اینجا برگسن به این نتیجه می‌رسد که بن‌بست‌های معرفت‌شناسانه ناشی از عقل‌گرایی، در این طرز فکر ریشه دارد. از اینجا به تمایز اساسی فلسفه برگسن با دیگران در معرفت‌شناسی می‌توان رسید.

۴. **تمایز عقل یا هوش و غریزه:** همان‌طور که فلسفه از نظر برگسن با تمایز جاندار و بی‌جان شروع می‌شود، معرفت‌شناسی نیز با تمایز عقل و غریزه آغاز می‌شود. خلط وظیفه عقل و غریزه موجب دشواری‌های معرفتی خواهد شد و ما را از دستیابی به مطلق باز خواهد داشت. با این تفکیک به دو روش تحقیق تمایز می‌رسد: روش دایره‌ای یافت: یکی شهود است و دیگری تحلیل. تحلیل کار عقل است و شهود کار غریزه و حرکت تحلیل به هست نخواهد آمد؛ بلکه تنها راه دستیابی به آن، شهود است. در بخش‌های چهارم و پنجم که مقصود از این قسمت این کتاب است به دیدگاه برگسن در باب حرکت و زمان پرداخته و نظریات زمان دیرینه‌شور و خیزش حیاتی را توضیح داده‌ام و سرانجام در بخش ششم به بهره‌های فلسفه دیرینه‌شور توجه کرده‌ام.

نتایجی که از نظریه دیرینه در این نوشتار استخراج شده عبارت‌اند از: ۱. اختیار، ۲. بطلان راسیونالیسم، ۳. بطلان ماتریالیسم، ۴. بطلان تلقی ساده‌کاری از جهان، ۵. انتقاد از غایت‌انگاری، ۶. سرانجام اینکه انسان غایت تحول حیات است.

وَ آخِرُ دَعْوَانَا أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

پایان یونس پیرمرادی

عضو هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین (ع)